

مذاکرات فرب

علیرضا موسی‌پور

کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل دانشگاه شهید بهشتی

آنچه که امروزیش ازهرزمان دیگری درمحافل مختلف موردبحث وبررسی قرارگرفته، تکراراین فرض است که مذاکرات جاری میان تهران‌واشنگتن در حقیقت فربیی برای هماهنگی ومقدمسازی میان رژیم صهیونیستی وایالات متحده برای ایجادخطای شناختی درطرف ایرانی و آماده سازی مقدمات تهاجم نظامی به ایران بوده است. درمورد این فرض وابعاد مختلف آن دلایل وشواهدی وجود دارد که در این یادداشت به آن‌ها اشاره خواهد شد.

■ ■ ■

■ **ترامپ وصلح؟**

آن چیزی که بیش از هر مورد دیگری در کمپین تبلیغاتی ترامپ چه در ۲۰۱۶ و چه در ۲۰۲۴ مشهور بود تا کید چنبارها او بر انتقاد از اسلاف خود در به راه انداختن جنگ‌ها و درگیری‌های پر هزینه در خام‌میانه و به خطرانداختن اقتصاد وجان مسربازان آمریکایی در این نبردهای غیر ضروری بود. ترامپ در کمپین انتخاباتی اخیر خود بارها به این نکته اشاره کرده که اگر جای پایدن، او در مسند ریاست جمهوری بود هیچ‌گاه میان روسیه و اوکراین نبردی شکل نمی‌گرفت. اما آنچه که مشهود است تلاش ترامپ برای ارانه صلح، از مسیر تهدید واعمال زور می‌گذرد و حتی در برهه‌هایی صلح ابزار او برای تحقیر یا تضعیف رقبای ایالات متحده بوده است. حمله نظامی او به سوریه به بهانه واهی استفاده دولت وقت سوریه از سلاح شیمیایی در سال ۲۰۱۸ یا ترور سردار شهید سلیمانی در فرودگاه بغداد درست زمانی که به گفته نخست وزیر وقت عراق، عادل عبدالمهدی، سردار سلیمانی برای پیگیری پیشنهاد صلح میان ایران وعربستان که ایالات متحده بخشی از ابتکار آن را رد دست داشت، به عراق رفته بود. در ماجرای حمله اسرائیل به ایران نیز این نکته مشهود است که ترامپ مذاکرات هسته‌ای با ایران را دست مایه‌ای برای هدف خود قرار داد و صرفاً از ابزار مذاکره برای صلح بر سر برنامه هسته‌ای ایران جهت ایجاد خطای شناسختی در طرف ایرانی استفاده کرد و شرایط را برای تهاجم نظامی رژیم صهیونیستی به ایران فراهم ساخت.

■ **شواهد وقرائن جنگ**

بسیاری از افراد و ناظران پیرامون توتیت سال گذشته ایلان ماسک که تصویری از بمباران تهران را منتشر کرده بود، گمانه‌زنی‌های فراوانی داشتند و حتی افراد مختلفی آن را دستمایه طنز پردازی وسرگرمی‌های رسانه‌ای کرده بودند. اما سحرگاه ۲۳ خرداد ۱۴۰۴ نشان داد نباید به هیچ نکته‌ای بی تفاوت و ناآگاهانه نگاه کرد. آن توتیت ایلان ماسک نشان از طراحی تیم ترامپ و صهیونیست‌ها برای حمله به ایران حتی قبل از پیروزی او در انتخابات ریاست جمهوری می‌داد. از طرفی خروج سهام شرکت‌های بزرگ مانند صافولا عربستان، سر آوادیچی کالا، سهرمایه‌گذار ماهیر استار نشان از طراحی پیچیده‌ای می‌داد که اقلاً صاحبان سرمایه این درگیری‌ها و تنش‌ها را پیش‌بینی کرده وشانس موفقیت مذاکرات را بسیار پایین می‌دانستند. در کنار تمامی این موارد سقوط سوریه، تضعیف حزب‌الله در لبنان و ایجاد محدودیت برای حشدالشعبی در عراق نشان می‌داد که گزینه بعدی حمله، تضعیف یا سقوط ایران است.

■ **روایت‌سازی ازایران**

آنچه که رصد رسانه‌های مختلف غربی و عبری نشان می‌داد، پس از سقوطسوریه وسروکوب حزب‌الله در لبنان، روایتی از جمهوری اسلامی در محافل خبری وتحلیلی بر ساخته شد تحت عنوان ایران لپه پرنگاه. در این روایت‌سازی ضمن تشریح شرایط نابسامان اقتصادی ایران و همچنین برجسته‌سازی سقوط وسروکوب متحدان منطقه‌ای جمهوری اسلامی بر این نکته تأکید داشتند که بازه زمانی فعلی بهترین فرصت برای تغییر رفتار جمهوری اسلامی ایران از مسیر تضعیف آن است. هسته مرکزی این استدلال بر این اصل متمرکز بود که ایران ناتوان از بازسازی بازوان منطقه‌ای خود است و در کنار آن شرایط نابسامان اقتصادی و نارضایتی‌های اجتماعی سبب خواهد شد که تهران در میز مذاکرات تن به هر نوع زیاده‌خواهی طرف آمریکایی بدهد. بر این اساس خواسته‌های ایالات متحده با فشار یا در زمین مذاکرات و یا با اهرم حمله نظامی محقق خواهد شد. از این رو مشخص بود که مذاکرات تا توجه به خواسته‌های حادترکی ترامپ بی فایده و بی نتیجه خواهد بود و تهران تن به فدا ی پیشنهادی آن‌ها نخواهد داد.

■ **خطای شناختی**

جان کلام بررسی اجمالی فرایند مذاکرات بر این اصل دلالت دارد که اهرم مذاکره از طرف ایالات متحده طبعاً برای ایجاد خطای شناختی و تعلل در جمهوری اسلامی برای آمادسازی خود برای نبردی همه‌جانبه بود. در شرایط فعلی نیز به نظر می‌رسد تا قبل از برقراری توازن قوا و ایجاد مجدد بازدارندگی، طرح هرگونه میل به مذاکره ومصلاحه خطایی راهبردی و تکمیل کننده یازل طراحی شده دشمن است. در شرایطی که طرف مقابل با ایجاد خطای شناختی مانع از آمادگی کامل ما برای نبردی همه جانبه شده طبعاً طرح مذاکره و صلح بازی کردن در همان طراحی پیشین وواشنگتن و صهیونیست‌هاست. هر نوع مذاکره ومصلاحه‌ای باید از مسیر برهم زدن محاسبات و طراحی‌های دشمن عبور کند در غیر این صورت این فرایند جز ضرربه به امنیت ملی ومنافع ملی هیچ آورده دیگری به دنبال نخواهد داشت.

اقتصاد اسرائیل چقدر تحمل جنگ را دارد؟

سقوط آزاد اقتصاد صهیون

رژیم صهیونیستی از کجا پول می‌آورد؟ اگر جنگ ادامه پیدا کند، اقتصاد اسرائیل چه وضعیتی پیدا می‌کند؟ برخلاف ایران که بخش مهمی از درآمد هایش از محل صادرات نفت و سایر کالاها به دست می‌آید، اسرائیلی‌ها روی یک اقتصاد شکننده ایستاده‌اند. هاشمی علوی، اقتصاددان مراکشسی دروب سایت نیوعرپ در مورد وضعیت اقتصاد این رژیم و تاب آوری آن توضیحات دقیقی داده‌است. به گفته او رژیم صهیونیستی در جریان جنگ غزه روزانه ۲۶۰ میلیون دلار پول خرج کرده که این رقم در مورد جنگ اخیر به دلیل استفاده از تجهیزات گران‌تر، رشد زیادی داشته‌است.

■ ■ ■

■ **تجارت اسرائیل را کد شد**

همزمان در دوران جنگ پروازهای تجاری زیادی به اسرائیل لغو شده‌است، گردشگری متوقف شده، وضعیت کسب و کارها زیر و رو و تجارت در مجموع بسیار کند شده‌است. به گفته این اقتصاددان بعید است که آمار رسمی در مورد هزینه اقتصادی جنگ برای اسرائیل منتشر شود؛ اما یک نکته قطعی است؛ این جنگ علاوه بر هزینه اقتصادی، عملاً هزینه سیاسی و عدم قطعیت شدیدی نسبت به آینده را به همراه آورد. درست است که بسیاری از سرمایه‌گذاران خارجی در اسرائیل پهمی هستند و ثروت زیادی هم دارند، اما اوضاع این ثبات در منطقه حتی برای آن‌ها هم قابل قبول نیست. یکی دیگر از بخش‌های اقتصاد آن‌ها در جنگ‌ها آسیب می‌بیند، بازار کار است. در دوران جنگ دسترسی به نیروی کار در اسرائیل به شدت کم می‌شود و به دلیل وسعت اندک، امکان جاذبه‌های آن‌ها هم ریسک بالایی پیدا می‌کند. همزمان بخشی از این نیروی کار به ارتش فراخوانده می‌شوند، به طور مثال در جنگ غزه، ۳۶۰ هزار نفر از جمعیت شاغلان به ارتش فراخوانده شدند. این جمعیت ۸ درصد از نیروی کار اسرائیل را تشکیل می‌دهد. هدف ارتش اسرائیل از این فراخوان، اضافه‌کردن نیروهای ذخیره به ۱۵۰ هزار نیروی فعال ارتش بود، اما وقتی هزاران اسرائیلی به جنگ فراخوانده شدند، عملاً شغل‌های خود را خالی گذاشتند. در عین حال باید این نکته را نیز در نظر داشت که خدمت سربازی برای تمام اسرائیلی‌های بالای ۱۸ سال از جمله زنان اجباری است، حتی اگر انستیتو بیمه ملی اسرائیل حقوق لازم را به سربازانی که شغل بوده‌اند پرداخت کند، باز هم کارفرماها باقی می‌مانند که ناگهان با صندلی خالی کارکنان خود و پیوستن آن‌ها به ارتش مواجه شدند. این مسئله روی تولید و بهره‌وری نیروی کار تأثیر زیادی داشته و در جریان جنگ با غزه و جنگ با ایران، اقتصاد اسرائیل را فلج کرده است.

■ **سربازانمی‌روند**

تجربه جنگ با غزه نشان می‌دهد در مواقع بحران جنگی، عده کمتری از ساکنان اراضی اشغالی به محل کارشان می‌روند. این جریان در جنگ با ایران هم تکرار شده‌است. بر اساس پیش‌بینی‌های بانک اسرائیل، هزینه هفتگی غیبت کارکنان در پنج هفته اول جنگ با غزه برابر با ۶ درصد از تولید ناخالص داخلی هفتگی اسرائیل بوده‌است. این عدد در مورد جنگ اخیر حداقل تا دو برابر تخمین زده می‌شود. در همین حال، موضوع مهم دیگری

نیز در بازار کار اسرائیل وجود دارد؛ بسیاری از افرادی که در اسرائیل کار می‌کنند، فلسطینی بودند و با آغاز جنگ با غزه، اسرائیل همه آن‌ها را اخراج کرد. همچنین بخش دیگری از نیروی کار در اسرائیل را اتباع خارجی از کشورهای آسیایی و آفریقایی تشکیل می‌دادند که فعالیت آن‌ها هم به شدت محدود شد و با آغاز جنگ با ایران، بخشی از آن‌ها نیز اسرائیل را ترک کردند. در واقع موانع پیش روی ورود بیش از ۱۶۴ هزار کارگر فلسطینی به اسرائیل باعث شد در دوران جنگ، بخش کشاورزی و بخش ساخت و ساز اسرائیل به شدت لطمه ببیند و خالی از نیروی کار شود، به عنوان مثال، تنها در بخش کشاورزی غیبت ۱۵ هزار کارگر فلسطینی و خارجی رخ داد. همچنین ۱۶.۲ درصد از نیروی کار خود اسرائیل به دلیل مسائل امنیتی آنجا را ترک کردند و به خارج از سرزمین‌های اشغالی رفتند. عده زیادی از آن‌ها پاسپورت کشورهای دیگر را داشتند. اینکه چنین جای خالی بزرگی در بازار کار اسرائیل قرار است چطور پر شود؛ مسئله‌ای است که حتماً در آینده اقتصاد اسرائیل تأثیر زیادی می‌گذارد. آنچه فعلاً می‌توان با قطعیت گفت این است که اقتصاد اسرائیل در سطحی پایین‌تر از پتانسیل تولید ناخالص داخلی‌اش کار می‌کند و اگر تنش‌ها به هر شکلی تداوم داشته باشد، احتمال درست‌شدن این وضع هم کم می‌شود.

■ **بحران نزدیک**

استارت‌اپ‌های اسرائیلی اکثر از تل آویوند و اوضاع کاملاً مخنلی دارند. همزمان بندر حیفا از همه جهت نابود شده‌است. تأسیسات بندری‌اش دست گروه آدانی (گوتام آدانی، ییزین من هندی) بود که به کل از بین رفته‌است. البته از زمان شروع جنگ با غزه مشکلات مختلفی وجود داشت ولی حالا این مشکلات تشدید شده‌است. همزمان و پس از حملات ایران، صادرات گاز اسرائیل نیز مخل شده‌است. این در حالی است که یکی از اهداف اسرائیل از راه‌اندازی جنگ با غزه این بود که لبنان نتواند از میدان گازی خود استفاده کند ولی حزب الله مانع اسرائیل بود. بدترین اتفاق برای صهیونیست‌ها این بود که گردشگری به‌خصوص در مناطق ساحلی برای آن‌ها درآمذرا بود که از زمان جنگ اخیر به کل از بین رفت. پالایشگاه حیفا که صادرات به اروپا داشت، نابود شد. از زمان شروع جنگ با غزه، تعداد زیادی از اسرائیلی‌ها سرمایه‌هایشان را به جاهایی مثل قبرس منتقل کردند و حتی برای زندگی به آنجا رفتند. از زمان حملات موشکی ایران، تعداد خیلی زیادی از اسرائیلی‌ها با کشتی خودشان را به قبرس رسانده‌اند و همچنان این روند ادامه دارد. شرکت‌هایی مثل اپتل که در اسرائیل کارخانه‌زده بودند بعد از حملات ایران اعلام کردند نیروی خود را تعدیل می‌کنند. آن‌ها با تداوم جنگ ناچار به تعطیلی هستند. این کارخانه نزدیک نوار غزه بود.

■ **مصرف نکنید**

اما این تمام ماجرا نیست. نکته دیگر که به اقتصاد اسرائیل لطمه می‌زند، کاهش مصرف است که بلافاصله پس از وقوع جنگ رخ داده و باعث شده مصرف کالاها و خدمات به شدت کاهش پیدا کند. این شوک بزرگ در زمینه درآمد خانوارها هم دیده می‌شود و با افزایش نرخ تورم نیز همراه

■ **مصرف نکنید**

■ **مصرف نکنید**

واقعیت و فرا واقعیت حمله به فردو

حمله توسط آمریکا پرنرگ‌تر است، به‌ویژه آنکه واشنگتن آن را رسماً اعلام کرد.

■ **طراحی آمریکا**

همگان منتظر بودند آمریکا حملاتی دست‌کم در گستره تجاوزات رژیم صهیونی انجام‌داده وعلاوه بر تأسیسات هسته‌ای، به‌موانع متعددی شامل تأسیسات نظامی و زیرساختی نیز حمله کند. واشنگتن اما ادعا می‌کند صرفاً به تأسیسات هسته‌ای حمله کرده‌است.

از سوی دیگر حمله به این تأسیسات نیز تلقی می‌شد با ده‌ها بمب سنگرشکن اجرایی خواهد شد؛ اما واشنگتن اعلام کرده بر روی فردو ۱۲ بمب پرتاب کرده‌است.

■ **تک‌اقدام تحریک‌کننده به‌عنوان چاشنی جنگ فراگیر**

ادعای آنکه ترامپ در باره حمله به ایران در همان لحظات اولی با اعتراضاتی در آمریکا مواجه‌شد. پیش از این، در میان جمهوری‌خواهان وحتی حلقه درونی تیم وی نیز این شکاف دیده‌شده بود.

برخی معتقدند که ترامپ به دنبال تحریک ایران برای آغاز یک درگیری بزرگ است. در چنین شرایطی او می‌تواند پس از پاسخ ایران از آن به عنوان بهانه‌ای جهت تشدید تنش‌ها، تقویت ملی‌گرایی وتغییر نظر مخالفان استفاده کند.

بر همین اساس این افراد توصیه می‌کنند که ایران باید حتماً حمله‌ای انتقام‌جویانه انجام دهد؛ اما باید تمیات آن را کنترل کند.

■ **پایه‌گذاری آزادی عمل برای حملات موردی**

آمریکا حمله خود را در قالب «تک حمله» به بهانه آسیب به تأسیسات هسته‌ای ایران که می‌توانستند در تولید «سلاح هسته‌ای» مورد استفاده قرار گیرند، توجیه کرد.

این احتمال وجود دارد که آمریکا با بهانه‌گیری و اتهامات دیگر، هر بار هجوم‌هایی را به داخل کشور تدارک ببیند تا بتواند از ابزار نظامی برای فرسوده کردن ایران بهره‌برد. در این چهارچوب، هرچند مایه‌گیر، آمریکا با ادعای کشف وجود تأسیسات هسته‌ای در بخشی از ایران، به آن حمله می‌کند.

از این رو حمله‌ای‌ای‌توان در چهارچوب عادی‌سازی حملات از زیبایی کرد؛ واشنگتن به جای جنگ پرنشدن و پردانه، جنگ کم‌شدت، محدود و طولانی مدت را انتخاب کرده تا به‌نوعی نبردی یک‌طرفه با ایران داشته باشد؛ جنگی که در آن آمریکا هر از گاهی

■ **مصرف نکنید**

■ **مصرف نکنید**

■ **مصرف نکنید**

طیف واکنش‌های جمهوری اسلامی و پیامدهای آن باید به دقت مورد بررسی وواکاوی قرار گیرد. حمله به پایگاه‌های نظامی آمریکا در منطقه، مسدودسازی تنگه هرمز، اعلام رسمی خروج از «ان بی تی» و در نهایت بازنگری در دکتین هسته‌ای نظام‌ای‌وامی توانی از این واکنش‌ها از زیبایی کرد. باید پیامدهای احتمالی هر یک از این واکنش‌ها نیز به دقت بررسی شود تا هم بهترین نتایج لازم حاصل شود و هم بازدارندگی در برنامه‌های میان‌مدت و بلندمدت دشمن در نظر گرفته‌شود.

حفظ انسجام داخلی در برابر این رخداد و به‌ویژه نسبت به نوع واکنش در برابر آن، کلید اصلی موفقیت نظام محسوب می‌شود. در سایه چنین ملاحظه‌ای، اکنون زمان آن نخواهد بود که مذاکره‌کنندگان یا دیپلماسی آن‌ها برای مذاکره تحت‌هجمه‌های غیر منصفانه قرار گرفته به آن‌ها به چشم جفا یا تهنه تلقی‌نماید

بوده‌است. از سوی دیگر، از دو روز پس از آغاز جنگ غزه، ارزش شیکل اسرائیل در مقابل دلار آمریکا کاهش پیدا کرد و این هم لطمه خودش را به اقتصاد زد. در این دوران و به‌خصوص در اواخر ماه اکتبر، ارزش شیکل به پایین‌ترین سطح خود در ۱۴ سال اخیر رسید. در همین زمان بود که مؤسسه رتبه‌بندی فیچ، خدمات سرمایه‌گذاری مودیز وهمین طور اس‌اند‌پی هشدار دادند هر نوع تداوم تنش‌ها در این مناقشه می‌تواند باعث سقوط رتبه اعتباری اسرائیل شود و حالا آن‌ها جنگ با ایران را بدون توجه به این هشدار اقتصادی آغاز کرده‌اند. این وضعیت می‌تواند به کاهش شدید سرمایه‌گذاری در اسرائیل، افزایش هزینه‌های سرمایه‌گذاری، کاهش بهره‌وری وهمین طور اختلال در زنجیره‌های تأمین بینجامد. علاوه بر کمبود نیروی کار وهمین طور کاهش استفاده از خدمات و کاهش مصرف که اقتصاد اسرائیل را تحت فشار قرار داده‌است، بخش تکنولوژی هم به صورت مشخص از منقشات آسیب دیده‌است. طبق آنچه اقتصاددانان می‌گویند تنها ۱۰ درصد از نیروی کار اسرائیلی در بخش تکنولوژی پیشرفته مشغول به کارند؛ اما ۵۰ درصد از صادرات اسرائیل به این بخش مربوط می‌شود. در این بخش، فناوری‌های اطلاعاتی وجاسوسی پیشرفته هم تولید می‌شود. بسیاری از افرادی هم که برای خدمت نظام به ارتش اسرائیل فراخوانده شدند از جوانان تحصیل کرده در همین بخش هستند. پس از جنگ با غزه و پیش از درگیری با ایران، بزلال اسموئریج، وزیر دارایی اسرائیل گفته بود قصد دارد بودجه جدید را ارانه دهد و قبلاً هم اعلام کرده بود یک میلیارد دلار وام را در اختیار کسب و کارهایی که در دوران جنگ آسیب‌دیده‌اند قرار خواهد داد، اما محافل تندرو در اسرائیل خواهان این هستند که این پول به دست احزاب اولترا ارتدوکس (ارتدوکس افراطی) و احزاب موافق با افزایش شهرک‌نشیینی برسد، بنابراین در زمینه پول خرج کردن هم معضلاتی وجود دارد. در بودجه‌ای که در ماه می برای سال‌های ۲۰۲۳ و ۲۰۲۴ میلادی اسرائیل ارانه شده بود، حدود ۴ میلیارد دلار پول به‌ احزاب اولترا ارتدوکس (ارتدوکس افراطی) و احزاب موافق با افزایش شهرک‌نشیینی می‌رسید. یکی از مهم‌ترین بخش‌های خرج شدن این پول هم در نوع خودش جالب است. مردان گروه‌های ارتدوکس افراطی یهودی کار نمی‌کنند و در ارتش هم خدمت نمی‌کنند و صرفاً حقوق دریافت می‌کنند و به دلیل عقایدشان، دولت هم قدرت مقابله با آن‌ها را ندارد. نکته قابل توجه اینکه دولت رژیم صهیونی پس از جنگ با غزه به مردمش بدهکار شد و اکنون در آوردگاه جدید، این بدهی افزایش یافته‌است. در حال حاضر دولت نتانیا‌هو برای ارانه یارانه به شرکت‌ها و خانوارها هم تحت فشار قرار گرفته، بنابراین احتمالش زیاد است که بدهی عمومی اسرائیل در دوران حاضر به شدت افزایش پیدا کند. به صورت خلاصه می‌توان گفت شوک اقتصادی دوگانه‌ای به عرضه وتقاضا در اسرائیل وارد شده‌است و این وضعیت می‌تواند به یک بحران اقتصاد کلان در ابعاد پیش‌بینی نشده منتهی شود. برخی اقتصاددانان اسرائیلی تخمین زده‌اند در صورت تداوم مناقشه تا یک سال، هزینه‌ای برابر با ۱۰ درصد از تولید ناخالص داخلی اسرائیل در انتظار دولت خواهد بود. این وضعیت برای اسرائیل قابل تحمل نیست. اقتصاد آن‌ها زیر بار جنگ خُرد می‌شود.

■ **مصرف نکنید**

■ **مصرف نکنید**

بدون آنکه پاسخ قابل توجهی دریافت کند، ایران را بمباران خواهد کرد.

■ **فرب**

احتمال می‌رفت حمله آمریکا در بامداد روزگشته به شکل شدیدتری اجرایی شود. اجرای آن در ابعادی کوچک‌تر از آنچه پیش‌بینی می‌شد می‌تواند به دلیل هوشیاری بالای ایران در بی اتفاقات ۲۳ خرداد-روز اول جنگ- باشد که طی آن تعدادی از فرماندهان نظامی و دانشمندان هسته‌ای ترور شدند.

بر این اساس احتمال دارد پس از حصول برخی از خوش‌بینی‌ها، آمریکا حمله‌ای پرشدت‌تر را اجرایی کند.

■ **نکات**

این احتمال وجود دارد که آمریکا در کوتاه مدت برای حفظ بازدارنگی در برابر ایران و کنترل پاسخی که تهران در انتقام از تجاوز به خاکش علیه این کشور اجرایی خواهد کرد، بخشی از توان خود را در تهاجم مورد استفاده قرار نداده و صرفاً بر تأسیسات هسته‌ای تمرکز کرده‌است.

آمریکا قصد دارد در بازه کوتاه مدتی، ایران از هراس آسیب بیشتر به سمت عدم پیگیری انتقام ویا ارانه پاسخی کوچک متمایل شود. در صورت تحقق این هدف، آمریکا پس از مدتی کوتاه حملاتش را به سرعت از سر خواهد گرفت.

بعضی تحلیلگران معتقدند هدف اصلی ورود آمریکا به درگیری‌ها، نجات رژیم صهیونی از فشارهاست. در برابر این هدف آمریکا برخی تجویز کرده‌اند که ایران همچنان بر رژیم صهیونی متمرکز بماند و پس از تکمیل ضربات به سمت رویارویی با واشنگتن گام بردارد. با این حال نظری پیش از حمله وجود داشت که تجویز می‌کرد برای به‌عقب‌راندن رژیم صهیونی که با وجود آسیب‌هایی که دیده‌همچنان به تجاوز خود ادامه می‌دهد، باید آمریکا و دیگر پشتیبان‌هایش را زیر

ضربه برد.

مقامات عالی ایران اعلام کرده‌اند که «رژیم صهیونی از این جنگ نباید سالم خارج شود.» این هدف تحت هیچ عنوان نباید تحت تأثیر قرار گیرد. رژیم صهیونی به مثابه یادگان غرب در منطقه، اهمیت بالایی دارد که می‌تواند بیشتر از برخی پایگاه‌های آمریکا در منطقه باشد. اهمیت پایگاه‌ها و ناوهای آمریکایی بالاتر از رژیم صهیونی نیست.

■ **مصرف نکنید**

■ **مصرف نکنید**

■ **مصرف نکنید**

نگاه‌شود. تردیدی نیست که نشستن آن‌ها بر سر میز مذاکره در هماهنگی کامل با سطوح عالی نظام انجام گرفته و آن‌ها نیز به دنبال چیزی جز منافع ملی ایران نیستند. بنابراین باید تمامی روندهای مورد تولید نظام، مورد حمایت و پشتیبانی قرار گرفته‌واز هر گونه عدم انسجام ویا بر خورد محدود وسلیقه‌ای در برابر واقعه کنونی پرهیز شود. در نهایت موضوع افتاع افکار عمومی نسبت به پاسخی که در برابر این تهاجم انجام می‌گیرد، حازر بیشترین اهمیت‌است. در شرایطی که دشمن اشتباه‌های محاسباتی عمیقی نسبت به واکنش مردم در برابر این تهاجم مرتکب شده بود، این مردم تاکنون به همه شکل پای کار ایستاده‌اند. در این شرایط آن‌ها نیز انتظار واکنش‌های متناسب و اقتاع‌کننده را از سوی نظام دارند. بنابراین برای هر نوع واکنشی باید جنبه افتاع افکار عمومی به دقت در نظر گرفته‌شود ونسبت به چگونگی و چرایی اتخاذ تصمیمات، توضیحات قانع‌کننده‌ای در اختیار مردم قرار گیرد.

■ **مصرف نکنید**

فرهنگ‌یگان

فرهنگ‌یگان



دوشنبه ۲ تیر ۱۴۰۴



شماره ۴۴۴۲



FARHIKHTEGANDAILY.COM



FARHIKHTEGANONLINE

📄

📄

📄

📄

📄

📄

📄

📄

📄

📄

📄

📄

📄

📄

📄

📄

📄

📄

📄

📄

📄

📄

📄

📄

📄

📄

📄

📄

📄

📄

📄

📄

📄

📄

📄

📄

📄

📄